

تاریخ : 01/01/86

آقای گای رایدر عزیز

با درودهای گرم

احتمالا در جریان قرار گرفته باشید که من، و آقایان جلال حسینی و محسن حکیمی در روز یکشنبه ۱۱ مارس ۲۰۰۷ در شعبه هفتم دادگاه تجدید نظر استان کردستان محاکمه شدیم.

در حاشیه دادگاه مسایلی گذشت که من بعضی از قسمتهای آنرا برای شما مینویسم. ما، سه نفر نامبرده، به همراه وکیلان، آقای محمد شریف، برابر احضاریه‌های رسیده سر ساعت ۹ صبح در دادگاه تجدید نظر استان کردستان حاضر شدیم. پس از مدتی معطلی به وکیل ما اعلام شد که آقای محمد مستوفی، قاضی شعبه هفتم در مرخصی میباشد. بنا به روال کار آقای شریف حضور ما را به دفتردار شعبه ابلاغ کرد و ما قصد بازگشت داشتیم که دفتردار گفت: "شما کمی منتظر بمانید تا من به رئیس دادگاه اطلاع دهم." ما تا ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح منتظر ماندیم تا بالاخره اطلاع دادند که "دادگاه برگزار میشود." ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح دادگاه به ریاست قاضی صادقی برگزار شد.

برای اینکه اهمیت جابه‌جائی این دو قاضی برای شما معلوم شود من به نقش این دو قاضی در پروسه طولانی شدن دادگاهی دستگیر شدگان اول ماه مه ۲۰۰۴ (۱۳۸۳ خورشیدی) خیلی به اختصار اشاره میکنم.

آقای صادقی در زمان دستگیری ما در روز جهانی کارگر ۲۰۰۴ دادستان شهرستان سقز بود و حکم بازداشت ما توسط او صادر شد. او در دور دوم دادگاهی شدن ما که اکتبر ۲۰۰۶ در دادگاه انقلاب سقز برگزار گردید رئیس دادگستری شهرستان سقز بود. در آن دادگاه آقای شایق، دادرس علی البدل، من را به ۴ سال و آقایان جلال حسینی، محسن حکیمی و برهان دیوارگر را به دو سال زندان محکوم کرد. این احکام پس از تایید ایشان رسمیت یافت. حالا همین شخص ریاست دادگاه تجدید نظر در احکامی را به عهده‌اش گذاشته اند که توسط خود ایشان ما محکوم شدیم.

اما بد نیست مختصری راجع به آقای محمد مستوفی، قاضی شعبه هفتم دادگاه تجدید نظر استان کردستان، نیز صحبت کنم تا شما بدانید که آقای صادقی را جانشین چه کسی کردند.

به خاطر دارید که در اولین دادگاهی که به ریاست قاضی طیاری در تاریخ فروردین ۸۴ برگزار گردید، به مجازاتهای زیر محکوم شدیم:

من به ۵ سال زندان و سه سال تبعید در شهرستان قروه محکوم شدم. آقای جلال حسینی ۳ سال زندان، آقایان محمد عبدی پور، محسن حکیمی و برهان دیوارگر هر کدام به ۲ سال زندان محکوم شدند. وکلای ما علیه این احکام اعتراض و تقاضای تجدید نظر کردند.

آقای محمد مستوفی که ریاست شعبه هفتم تجدید نظر استان را به عهده داشت به همراهی آقای حمید رضا حسن پور که سمت مستشار دادگاه را داشت ما را از تمام اتهامات انتسابی از طرف دادگاه سقز تبرئه کردند. در واقع دادگاه دوم ما که فوقا به آن اشاره کردم پس از صدور حکم تبرئه توسط ایشان تحمیل شد.

تقاضای من اینست تا نامه فوق را در اختیار حقوقدانان قرار دهید و آنان را از مفاد این نامه مطلع کنید تا نظر دهند که آیا در کجای دنیا چنین دادگاهی برگزار می شود . در کجای دنیا دیده شده ، دادستان ، رئیس دادگاه و رئیس دادگاه تجدید نظر یکی باشد . آیا دیده شده کسی که رئیس دادگاه تجدید نظر شخصی باشد که احکامی قبلی توسط خود وی تایید شده باشد ؟ آیا دیده شده رئیس دادگاه کسانی باشد که از همان ابتدا، به خاطر تلاش برای برگزاری روز جهانی کارگر ، حکم بازداشت شان را امضا کرده است.؟ آیا با این روال کار ما میتوانیم منتظر صدور احکامی عادلانه باشیم؟

با احترام فراوان

محمود صالحی – سقز

رونوشت: خاتم آنا بیوندی و آقای جانک کوچکیویچ